

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۸ اگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۱۱

مُقَطَّعات

- ۱۲ -

زمانه تابع رأی تو گشت و من گفتم
که غم سرآمد و اکنون زمان زمان من است
ولی ز دورِ زمان می شود چنان معلوم
که درد و غصه و حرمان نصیب جان من است

* * *

ای پیش رواق دولت تو
در 'حبل' ارادت تو هرکس
ایوان بلند اختران پست
زد دست، ز بند آسمان رست
آن سینه، که تیر آسمان خست
جز لطف تو مرحمت نیابد

۱ "حبل": (بر وزن "چرم") کلمه عربی و در معنای "ریسمان"
۲ "رست": ماضی مطلق از "رستن" که در معنای "نجات یافتن" است و "رستگار" نیز از همین فعل برخاسته است
۳ "خست": (بر وزن "مست" و "دست") فعل ماضی مطلق از "خستن"، که در معنای "آزردن" است و کلمه "خسته" هم از همین مصدر برخاسته است. حافظ شیرازی گوید:

دل ما را که ز مار سر زلف تو بخت
از لب خود، به شفاخانه تریاک انداز

* * *

به خدائی، که وصف قدرت او ناظم کارگاه گردون است
که مرا خاکبوسی در تو بهتر از گنجهای قارون است

* * *